

مقدمه شیعه

در تأسیس و ابتکار علوم اسلامی

سید علی اکبر آیه الله برقی قمی

تهران - ایران

سهم شیعه در تأسیس و ابتکار علوم اسلامی :

عنوان فوق موضوع بحث ما است آنهم بمناسبت کنگره هزاره شیخ اجل محمد بن حسن بن علی طوسی معروف به «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفه» از طبقه اول از فقیهان و محدثان و از مفاخر عالم تشیع که بابتکار دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد برپا گردیده است ، و این هم وظیفه ما است که از بنیان آن کنگره که خدایشان مزد فراوان دهد سپاسگزاری کنیم . کنون میگوییم :

شیعه در ابداع و ابتکار علوم اسلامی پیشقدم بوده و از این نظر بر اهل سنت که کمابیش سه برابر شیعه پیرو دارد پیشی گرفته و افتخار ابتکار همه و یا بیشتر علوم اسلامی را نصیب خود کرده است .

علوم اسلامی چیست ؟

علوم اسلامی ، کلیه علومی است که پس از پیدایش دین اسلام و نزول قرآن و انتشار حدیث پا بعرصه پیدایش گذاشته ، از قبیل : علم فقه ، علم اصول فقه ، علم کلام ، تفسیر ، صرف ، نحو ، معانی ، بیان ، بدیع ، قرائت قرآن ، معانی قرآن ، نوادر قرآن ، مجاز قرآن ، امثال قرآن ، مقطوع و موصول قرآن ، اسباع و حدود آیات قرآن ، علم درایه ، رجال ،

و طبقات روایات و غیر اینها که همه آنها به دین منسوبست و بقرآن و حدیث مربوط .

آیه الله علامه **صدرالدین محمد بن هادی** معروف بصدر که در کاظمین میزیست و در سال ۱۳۵۴ هجری قمری درگذشت بر این عقیده بود که افتخار پایه‌گذاری همه علوم اسلامی نصیب شیعه است ، و در این خصوص کتابی تألیف کرد بنام **تأسیس الشيعة الكرام لفنون الاسلام** و در این کتاب بتفصیل سخن گفته و بذکر ادله و مدارك بر مدعای خود پرداخته و سخن را بسط داده و چون کتاب ، بزرگ و مفصل بود آنرا تلخیص کرد و ملخص آنرا **الشيعة وفنون الإسلام** نامید، و من آنرا در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی بفارسی برگردانیدم و در همان سال ترجمه آن بچاپ رسید .

حال ببینیم حقیقت چیست ؟

آیا واقعاً شیعه پایه‌گذار جمیع علوم اسلامی است چنانچه استاد **علامه صدر** در دو کتاب نامبرده معتقد است و یا بنیان‌گذار بیشتر بلکه نزدیک به همه علوم اسلامی است و اهل سنت نیز در این افتخار نصیبی دارند ؟ .

حقیقت اینست که پیش از آنکه کتاب نامبرده بدست من افتد و آنرا ترجمه کنم کتابی در دست تألیف داشتم بنام **تذكرة مبتكران** و چنانکه از نامش پیدا است کتاب در موضوع پایه‌گذاران همه علوم است اسلامی باشد و یا غیر اسلامی و کتاب در مجله ارمغان بچاپ میرسد .

من در هنگام تألیف آن ، متوجه شدم که شیعه در ابتکار علوم اسلامی سهم بیشتری دارد و در شگفت میشدم که چگونه علمای شیعه بدان موضوع توجه نکرده‌اند تا آنگاه که کتاب «**الشيعة و فنون الاسلام**» بدستم افتاد و

برقریحه علامه مؤلف آفرین گفتیم . لکن باین فکر که شیعه بنیان‌گذار همه علوم اسلامی است موافق نبوده و اکنون هم معتقد نیستیم بلکه براین عقیده‌ام که بیشتر علوم اسلامی را شیعه ابتکار کرده‌است و هرگاه میشد کلمه بیشتر را نزدیک بهمه علوم معنی کرد نه تمام آن ، آنرا اختیار میکردم .

حال بینیم علت این تقدم و پیشگامی چیست ؟

علت اینست که شیعه بیت وحی و علم پیوست و آنرا از سرچشمه علم پایان ناپذیر اهل بیت فراگرفت چه ازیکطرف علمای اهل بیت خواستند علم را بپراکنند و بمردم تعلیم دهند و از طرف دیگر شیعه خواست آنرا فرا گیرد .

نخستین عالم اهل بیت **امیرالمؤمنین علی (ع)** بود که گفت: «**انَّ هیهنا لعلماً جمّاً لو اصبّت له حملة و اشار الی صدره**» یعنی در سینه علی علوم فراوانیست که کاش می‌یافتم کسانی‌را که درسینه جاده‌ند. و خوشبختانه شیعه که پیروانش بودند یافت شدند و باندازه استعداد خود از علوم علی بهره‌مند گشتند. ممکن است کسانی باشند که سختم را بر تعصب حمل کنند، چه‌بهر که سخن **ابن ابی‌الحدید** سنی معتزلی را در شرح «نهج البلاغه» مجلد اول صفحه هفت، چاپ مصر، گواه آرم :

وی گوید: «من درباره کسیکه (مقصودش امیرالمؤمنین علی است) هر فضیلتی باو منسوبست و هرگروه صاحب فضیلتی خودرا از او و باو پیوسته میدانند چه‌بگویم!» .

«علی سرچشمه فضائل و مناقب است» .

تاآنجا که گوید : «هرکس در هر فضیلتی نابغه گردید همانا از علی آنرا کسب کرد و براه او رفت و از رویت او پیروی کرد» .

«تودانی که شریفترین علوم، علم الهی است بحکم اینکه شرف هر علم

بمعلوم آنست، و از معلوم این علم چیزی شریفتر نیست و این علم از سخنان علی تراوید و فروغ گرفت و موضوع علم کلام گردید، و این عمل را فرقه معتزله که اهل توحید و عدلند از شاگردان علی آموختند، زیرا رئیس این فرقه **واصل بن عطا** شاگرد **ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه** است و ابو هاشم عبدالله شاگرد پدرش **محمد** بود و محمد پسر و شاگرد علی است و فرقه «اشعریه» با استاد و رئیس فرقه معتزله میرسند، و چنانکه گفتم آموزگار همه علی است، و فرقه «امامیه» و «زندیه» که انتسابشان بعلی معلوم است. و اما علم فقه، ریشه و اساسش علی است، و هر فقهی در اسلام از عائله علی و مستفید از علم علی است بحکم اینکه فقیهانی مانند **ابویوسف** و **محمد بن حسن** و غیر اینان فقه را از **ابوحنیفه** آموختند، و **شافعی** آنرا از محمد بن حسن آموخت و چنانکه گفتم محمد بن حسن از ابوحنیفه آنرا فرا گرفت و **احمد بن حنبل** از شافعی آموخت و باین ترتیب فقه همه اینان به ابوحنیفه میرسد و ابوحنیفه که استاد و آموزگار همه است فقه را از **جعفر بن محمد** (امام ششم شیعه) آموخت و جعفر بن محمد از پدرش و پدرش از پدرش تا علی و اما **مالک بن انس** فقه را از **ربیعۃ الرأی** آموخت و ربیعۃ از **عکرمه** و **عکرمه** از **عبدالله بن عباس** و عبدالله بن عباس از علی. و اگر خواهی فقه **شافعی** را به **مالک بن انس** نسبت دهی مختار باشی و این چهار فقیه (مقصود ابوحنیفه و مالک بن انس و احمد بن حنبل و محمد بن ادریس شافعی است که فقه عامه بآن چهار فقیه منتهی می شود) فقه را از علی آموختند. و اما فقه شیعه که انتسابش بعلی معلوم است. و اما علم تفسیر از سرچشمه علم علی جوشید و از او فزونی یافت و هرگاه بتفسیر رجوع کنی صحت گفتارم را دریابی زیرا تفسیر هر چه هست از عبدالله بن عباس است و کیست که نداند عبدالله بن عباس شاگرد علی است.

کسی از عبدالله بن عباس پرسید علم ترا با علم علی چه نسبت است ؟ گفت: نسبت قطره بدریا .

تا آنجا که ابن ابی الحدید گوید: «و اما علم نحو و صرف و عربیت ، همگان میدانند که علی مبدع و مبتکر آنهاست و اوست که اصول و جوامع آنرا به ابوالأسود آموخت .»

این بود سخن ابن ابی الحدید که من آنرا در ترجمه هر چه کوتاهتر کردم و از همان سخن کوتاه دانسته گردید که علی (ع) بذر علوم را افشاند و شیعه آنرا در زمین سینه به پوررانی و سپس بنشر آن پرداخت، و این همان چیزی است که من آنرا علت پیشگامی شیعه در تأسیس و ابتکار علوم اسلامی ذکر کردم .

آری علی کسی است که پیغمبر درباره او فرمود: **انامدینه العلم و علی** بابها یعنی شهر علم منم و علی در آن شهر است و هر کس خواهد بشهر علم درآید باید از در آن درآید، و این حدیث را شیعه و سنی باتفاق روایت کرده اند. روان **فردوسی** شاد که گفته است :

که من شهر علم علیم دراست درست این سخن گفت پیغمبر است
گواهی دهم کاین سخن را از اوست تو گوئی دو گوشم بر آواز اوست
و چنانکه نوشتم شیعه زودتر از سنی در شهر علم را شناخت، و خود را از آن در بان شهر رسانید و پس از علی (ع)، امامان از فرزندان بنشر علم پرداختند، و باز شیعه در فرا گرفتن علوم بر دیگران سبقت و پیشی گرفت تا نوبت به امام صادق **جعفر بن محمد** رسید که در حلقه درسش هزاران دانشجو حاضر می شدند که حتی **ابوحنیفه محمد بن نعمان** رئیس فرقه حنفی در میان ایشان دیده میشد و در همین زمان است که علوم اسلامی از فقه و کلام و تفسیر و غیر اینها گسترش پیدا کرد و میان مسلمین پراکنده گردید .

اینست سِرِّ تقدّم و پیشگامی شیعه در پایه‌گذاری علوم اسلامی .
 اکنون پایه‌گذاران علوم اسلامی را بطور خلاصه و اجمال نام می‌برم و
 کسانی که تفصیل آنرا خواهند به سه کتابی که نام آنها برده شده احاله می‌کنم .
 پایه‌گذار علم صرف **ابو مسلم معاذ بن هراء** کوفی است از شاگردان
 امام صادق و معاصر با **کمیت بن زید** شاعر اهل بیت و هم دوست او، و
 ادب آموز **عبدالمالک بن مروان** که عمری طولانی کرد و در سال ۱۸۷ درگذشت
 پایه‌گذار علم نحو **ابوالأسود ظالم بن عمرو دثلی** است از شاگردان امام
 علی (ع) و هم او است که قرآن را نقطه‌گذاری کرد و اعراب آنرا باز نمود و
 در سال ۶۹ در طاعون عام درگذشت .

پایه‌گذار علم معانی و بیان **ابو عبدالله محمد بن عمران بن موسی مرزبانی**
 خراسانیست که کتاب «التفصیل فی علم البیان والفصاحه» را تصنیف کرد
 و در سال ۳۷۸ درگذشت .

پایه‌گذار علم بدیع بعقیده علامه صدر، **ابراهیم بن علی بن سلیمان بن هرم**
 است مشهور به **ابن هرم** در شمار ادیبان و شاعران امدارین علم کتابی نوشت
 و افتخار تألیف و یا پایه‌گذاری آن، نصیب دو ادیب که هر دو در یک عصر
 می‌زیستند گردید، اولی **قدامة بن جعفر کاتب** مصنف کتاب «نقد الشعر»
 دومی **عبدالله بن معتز عباسی** معروف به **ابن معتز** . **صفی‌الدین حلّی** در
 دیباجه شرح بدیعیه گوید : «آنرا که عبدالله بن معتز گردآوری کرد هفده
 نوع از محسنات علم بدیع بود . و آنرا که **قدامة بن جعفر** جمع‌آوری کرد
 بیست نوع از انواع آن علم بود . و در هفت نوع با **عبدالله بن معتز** بیک ره
 رفت، و در سیزده نوع آن خود مبتکر و متفرد بود، و از مجموع آنها سی
 نوع جمع‌آوری گردید و سپس ادیبان دیگر انواع دیگر آنرا استخراج کردند
 و بر آن افزودند» و **قدامة بن جعفر** شیعی بود و **عبدالله بن معتز** سنی .

پایه‌گذار علم عروض و قافیه **خلیل بن احمد فراهیدی** است که هر دو فن را با دقت ابداع کرد و باز هم اوست که علم لغت را پایه‌گذاری کرد و در آن علم «کتاب العین» را تألیف نمود، و در سال ۱۶۰ و یا سال ۱۷۰ و یا سال ۱۷۵ بنا بر اختلاف، درگذشت.

پایه‌گذار علم فقه **علی بن ابی‌رافع** کاتب امیر المؤمنین علی (ع) و هم خازن بیت المال او بود و در هر دو علم کتاب پرداخته و **نجاشی** گفته: که کتاب او پیش از سال چهارم هجری تألیف گردید.

پایه‌گذار علم اصول فقه **هشام بن حکم** است، رئیس متکلمان شیعه، و شاگرد امام صادق که کتاب «الالفاظ و مباحثها» را که عمده‌ترین مباحث اصول فقه است تألیف کرد. و پس از او **یونس بن عبدالرحمن** از اصحاب امام موسی کاظم (ع) کتاب «اختلاف الحدیث» را در موضوع تعارض دو دلیل و تعادل آنها نوشت.

پایه‌گذار علم کلام **ابوهاشم عبدالله بن محمد بن علی** است نوّه امیر المؤمنین و فرزند **محمد بن حنفیه** و استاد **ابوحذیفه واصل بن عطاء معتزلی** رئیس فرقه معتزله، و ابوهاشم در علم کلام کتابها پرداخت و هنگامی که مرگش فرارسید کتابهای خود را به **محمد بن علی بن عبدالله بن عباس هاشمی** سپرد و معاصر او **عیسی بن روضه** تابعی امامی نیز در آن علم کتاب «الامامة» پرداخت اما در مجموع افتخار ابتکار، نصیب **ابوهاشم** است پایه‌گذار علم تفسیر **عبدالله بن عباس** است که شهرتش در بنیان‌گذاری علم تفسیر نیازی بشرح ندارد و ابن عباس در سال ۶۸ درگذشت. و پایه‌گذار علم قرائت قرآن، و علم غریب قرآن، و علم معانی قرآن **ابوسعید ابان بن تغلب بن رباح بکری جریری** است. **نجاشی** در وصف او گفته است: «کان مقدما فی کل فن من القرآن والفقه والحديث والأدب واللغة» یعنی ابان

ابن تغلب درهر فنی، ازقرآن و فقه و حدیث و ادب و لغت پیشگام بود و در سال ۱۴۱ درگذشت .

پایه‌گذار علم احکام قرآن **محمد بن سائب کلبی کوفی** است متوفی ۱۴۸ و مؤلف کتاب «احکام القرآن» .

پایه‌گذار علم ناسخ و منسوخ قرآن بگفته علامه صدر **عبدالله بن عبد الرحمن بن اصم مسمعی بصری** است از شیوخ شیعه و شاگرد امام صادق (علیه السلام) . اما بنظر من (نویسنده) پایه‌گذار آن **مقاتل بن سلیمان بن بشیر آزدی** شیعی است متوفی ۱۵۰ و صاحب چندین تألیف از جمله کتاب ناسخ و منسوخ قرآن .

پایه‌گذار نوادر قرآن **علی بن حسن بن فضال** است از مشایخ شیعه در قرن سوم .

پایه‌گذار علم متشابه قرآن و علم مقطوع و موصول قرآن و علم اسباع و حدود آیات قرآن **حمزة بن حبیب زیات کوفی** است که یکی از قراء سبعه و شاگرد امام صادق است و در سال ۱۵۶ درگذشت .

پایه‌گذار امثال قرآن شیخ جلیل **محمد بن محمد بن جنید** است . و پایه‌گذار فضائل قرآن **ابی بن کعب انصاری** صحابی است. ابن ندیم در فهرست بکتاب او در فضائل قرآن و **سید علی خان** در کتاب «الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه» بتشیع او تصریح کرده‌اند .

پایه‌گذار مجاز قرآن **یحیی بن زیاد** فراء است متوفی ۲۰۷ .

پایه‌گذار علم درایه **ابو عبدالله محمد بن عبدالله نیشابوری** است معروف به حاکم^۱ و متوفی ۴۰۵ و کتاب او در درایه بنام «معرفة الحديث» معروفست و آن کتاب در پنج جزو است و در آن کتاب حدیث را نوع بندی کرد و پنجاه

۱- حاکم در اصطلاح علمای حدیث کسی است که علمش بتمام احادیث احاطه دارد .

نوع آنرا ذکر نمود .

پایه‌گذار علم رجال ابو عبدالله محمد بن خالد برقی قمی است از اصحاب

امام موسی کاظم .

پایه‌گذار علم طبقات روای ابو عبدالله محمد بن عمرو اقدی است متوفی

۱۸۱ هجری .

سید علی اکبر برقی قمی

۳۱ خرداد ۴۸